

احکام و تعالیم فردی - نهی از ظلم به حیوانات

حضرت بهاء الله



نهی از ظلم به حیوانات

حضرت بهاء الله:

1 - " لا تحملوا علی الحيوان ما يعجز عن حمله إنا نهيناكم عن ذلك نهياً عظيماً في الكتاب كونوا مظاهر العدل والإنصاف بين السموات والأرضين " (کتاب اقدس - بند 187)

2 - " رعایت حیوان را منظور نماید " (کتاب ایقان مستطاب)

3 - " بضر حیوان راضی نشوید تا چه رسد بانسان " (امر و خلق، جلد 3، ص 196)

حضرت عبدالهء:

1 - " احبای الهی باید نه تنها بانسان رأفت و رحمت داشته باشند بلکه باید بجمع ذیروح نهایت مهربانی نمایند زیرا حیوان با انسان در احساسات جسمانی و روح حیوانی مشترک است ولی انسان ملتفت این حقیقت نیست گمان مینماید که احساس ، حصر د رانسان است لهذا ظلم بحیوان میکند اما بحقیقت چه فرقی در میان احساسات جسمانی ، احساس واحد است خواه اذیت بانسان کنی و خواه اذیت بحیوان ابداً فرقی ندارد بلکه اذیت بحیوان ضررش بیشتر است زیرا انسان زبان دارد شکوه نماید آه و ناله کند و اگر صدمه ای باو رسد بحکومت مراجعت کند حکومت دفع تعدی کند ولی حیوان بیچاره زبان بسته است نه شکوه تواند و نه بشکایت بحکومت مقتدر است . اگر هزار جفا از انسانی ببیند نه لساناً مدافعه تواند و نه عدالته دادخواهی کند . پس باید ملاحظه حیوان را بسیار داشت و بیشتر از انسان رحم نمود . اطفال را از صغرسن نوعی تربیت نمائید که بینهایت بحیوان رؤوف و مهربان باشند . اگر حیوانی مریض است در علاج او کوشند . اگر گرسنه است



TABLET

اطعام نمایند. اگر تشنه است سیراب کنند. اگر خسته است در راحتش بکوشند. انسان اکثر گنهکارند و حیوان بیگناه. البته بیگانهان را مرحمت بیشتر باید کرد و مهربانی بیشتر باید نمود مگر حیوانات مؤذیه را مثل گرگ خوانخوار مثل مار گزنده و سایر حیوانات مؤذیه. چه که رحم باینها ظلم بانسان و حیوانات دیگر است. مثلاً اگر گرگی را رأفت و مهربانی نمائی این ظلم بگوسفند است یک گله گوسفند را از میان بردارد. کلب عقور را اگر فرصت دهی هزار حیوان و انسان را سبب هلاک شود. پس رأفت بحیوان درنده ظلم بحیوانات مظلومه است. لذا باید چاره آنرا نمود ولکن بحیوانات مبارک که باید بی نهایت مهربانی نمود. هرچه بیشتر بهتر و این رأفت و مهربانی از اساس ملکوت الهی است. این مسأله را بسیار منظور دارید و عَلَیْكُمْ الْبَهَاءُ الْأَبْهَى ع

(مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد 3، ص 211)

2 - " ای دختر عزیز ملکوتی من حیوان نظیر انسان در نزد اهل حق بسیار عزیز است لهذا انسان باید بانسان و حیوان هر دو مهربان باشد و بقدر امکان در راحت و محافظت حیوان بکوشد اما در تشریح حیوان چون منافع و فوائد طبی حاصل میشود که سبب استفاده جمیع بشر میگردد شاید از تشریح جراحی اکتشافاتی حصول یابد که سبب حیات هزار میلیون از نفوس گردد هر چند این عمل جراحی ضرر خصوصی است ولکن منفعت عمومی یعنی از برای عموم انسان مفید است حتی این تشریح اکتشافی سبب منفعت عالم حیوان نیز گردد از این نظرگاه منفعت عمومی مقبول ولو ضرر خصوصی دارد جائز است زیرا تشریح آن حیوان نتایج بسیار عظیمی می بخشد مثلاً تشریح گرگی در حالت بیهوشی سبب شود که مرضی کشف میشود که الآن هزار میلیون از آن مرض مهلک بهلاکت رسیده اند. حال این تشریح کشفی سبب میشود که هزاران میلیون از این هلاکت محفوظ میمانند. اگر آفتی بر رومه گوسفندی مسلط جائز است یک گوسفند را از برای سلامت گله فدا نمود و الا آن آفت جمیع آن گله را حتی آن گوسفند فدائی را هلاک خواهد نمود ولکن باید تشریح در حیوانات مؤذیه باشد و بدرجه ای از احتیاط باشد که آن حیوان مدهوش و بی احساس باشد. حیوانات مؤذیه را جائز که بجهت سلامتی نفوس فدا نمود. نظر باین حکمتهای بالغه جائز است که حیوانات مؤذی را بجهت سلامت عالم انسانی تشریح کشفی کرد. این حیوان مؤذی اگر زندگانی نماید سبب هلاکت هزار حیوان دیگر شود مثلاً اگر گرگ تشریح اکتشافی شود این سبب محافظه هزار گوسفند است که او خواهد درید حتی موت این، سبب بقای هزار حیوان است علی الخصوص اکتشافات فنی و طبی میشود که الی الابد از برای عموم انسان مفید است و عَلَیْكُمْ الْبَهَاءُ الْأَبْهَى ". (امر و خلق، جلد 3، ص 197)